

# شبکه امنیتی

هاینریش بل

ترجمه

محمد تقی فرامرزی

فرهنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تهران - ۱۳۹۸

## هاینریش بل:

### زندگی، آثار، و اندیشه‌هایش

هاینریش بل (Heinrich Böll) در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۷ در شهر کلن (Köln) آلمان متولد شد و سالهای کودکی را در محیط خانواده‌های طبقه متوسط (عموماً کاتولیک) ناحیه راین (Rhein) سپری کرد. در سالهای نوجوانی، شاگرد کتابفروش بود. سالهای جوانی بل با دوران دخالت‌های رژیم هیتلر در زندگی خصوصی و اجتماعی جوانان آلمان مقارن بود. بل در ۱۹۳۹ به خدمت سربازی در ارتش آلمان رفت، سه بار در طی جنگ (جبهه روسیه) زخمی شد، چندین ماه نیز در یک اردوگاه امریکایی در فرانسه زندانی شد (اواخر جنگ) و پس از پایان جنگ در ۱۹۴۵ به آلمان بازگشت. هاینریش بل، همانند بسیاری از آلمانیها در طی جنگ دوم آسیبهای غیرمستقیم نیز دید: مادرش در یکی از بمبارانهای هوایی متفقین دچار حمله قلبی شد و درگذشت. هاینریش بل در مصاحبه‌ای که اوایل ۱۹۶۱ با هورست بینیک (Horst Bienek) انجام داده است، می‌گوید: «وقتی شروع به نوشتن کردم، یعنی در ۱۷-۱۸ سالگی، ابتدا - خیلی پیش از آنکه نخستین داستان کوتاه‌م را بنویسم - رمان می‌نوشتم. چهار یا پنج و شاید شش رمان نوشته بودم که سه‌تای آنها در زمان جنگ در اتاقی در کلن سوخت. بقیه، در گوشه‌ای از زیرزمین خانه‌مان افتاده است.» اما کار نویسندگی حرفه‌ای را از اوایل ۱۹۴۷ در کلن آغاز کرد. جنگ جهانی دوم و مصائبی که مردم آلمان در طول جنگ و پس از آن متحمل شدند، و تجربه‌های دوران خدمت نظامی خود بل، درونمایه و مصالح و موضوعات اصلی بیشتر داستانها و نمایشنامه‌هایش را تشکیل می‌دهند، که با بهره‌گیری از مشاهداتش در آلمان سالهای پس از جنگ به تکمیل آنها نیز همت گماشت. بل ضمن تحصیل در

دانشگاه (در رشته ادبیات آلمان) به کارهای متنوعی در عرصه نویسندگی دست زد و نخستین آثارش را در همین سالها نوشت. همانند برندان بهان (Brendan Behan؛ ۱۹۲۳-۱۹۶۴) نمایشنامه‌نویس ایرلندی، که بل آثارش را به آلمانی ترجمه کرد، از روحیه نظامی‌گرایانه، بی‌عدالتی سیاسی، و ظلمی که در دوران جوانیش مشاهده کرده بود به‌عنوان معیاری برای تحلیل گذشته و انتقاد‌گزنده از زمان حال بهره می‌گرفت؛ از سببیت نظامی‌گرایانه، قهرمان‌پروری کاذب، و سنتهای پوچ پرده برمی‌داشت و در مقابل آنها انسان‌دوستی را پیشنهاد می‌کرد.

نخستین رُمان کوتاه بل به نام *Der Zug War Pünktlich* (قطار سر وقت رسید) در ۱۹۴۹ انتشار یافت. این رمان که سرآغاز دورانی پرثمر در زندگی هنری او بود، نخستین اعتراض او به جنگ است، و بل در آن بیهودگی و وحشت‌های ناشی از جنگ را به یک اندازه به باد انتقاد می‌گیرد. مجموعه‌ای از ۲۵ داستان کوتاه بل با عنوان *Wanderer, Kemst du nach Spa...* (ترجمه فارسی داستان‌نویس: مجموعه: بیگانه!) وقتی رسیدی به اسپا...، کامران جمالی، ۱۳۷۰) اول‌بار در ۱۹۵۰ و سپس با اضافات و حذفیاتی در ۱۹۵۵ انتشار یافت.

ادبیات آلمان در سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۹، بر محور آفرینش‌های ادبی بل به سیر تکاملی خود ادامه می‌داد. از آثار مهم بل در این دوره، *Wo Warst Adam? du* (کجا بودی، آدم؟) است که در آن پدیده جنگ را در چارچوبی گسترده، با اشاره به حوادث بسیار و هزاران جنبه وحشیانه و غیرانسانی به تحریر درآورده و به صورت یک مجموعه انتشار داده است. قهرمان این داستان، افسری است که هنگام حمله روسها، بر اثر زخم معده، توانایی عقب‌نشینی را در خود نمی‌بیند و لاجرم در چنگال مرگ اسیر می‌شود.

بل در ۱۹۵۶ نخستین دیدار از سلسله دیدارهایش را از ایرلند به عمل آورد. وی که دورانی از عمرش را نیز در ایرلند سپری کرد علاوه بر آثار برندان بهان، آثار جان میلینگتن سینگ (John Millington Synge؛ ۱۸۷۱-۱۹۰۹) ایرلندی را نیز به آلمانی ترجمه کرد. انتشار *Irisches Tagebuch* (یادداشت‌های روزانه ایرلند) در ۱۹۵۷ یکی دیگر از جنبه‌های علاقه‌اش به ایرلند بود. سفرهای بل به ایرلند در حکم نوعی گریز به عرصه‌ای بود که در آن مادی‌گرایی و نوکیسگی به مراحل ناخوشایندی که در آلمان دیده می‌شد نرسیده بود.

در میان نوشته‌های بل علاوه بر آثار آمیخته با خلاقیت‌های ادبی، مقالات متعددی در انتقاد از جامعه جدید، سیاست‌های دولت فدرال آلمان، و گرایش‌های کلیسای کاتولیک رومی (آیینی که خود وی با آن تربیت شد) دیده می‌شود. او نویسنده‌ای اساساً شورشی، معتقد، و پایبند اصول بود و تا آخرین لحظه عمر به باورها، آرمانها، و هنر خود وفادار ماند و سرسختانه به مبارزه با قدرتهای زمانه و دفاع از آزادی و صلح و کرامت انسان پرداخت. دفاع وی از آزادی، امری انتخابی و محدود نبود؛ با نیمی از قلب نبود؛ متوجه یک ابرقدرت و اقمار آن و غافل از ابرقدرت دیگر و هم‌پیمانانش نبود. سلاح دفاع بل محدود به قلم نیز نبود؛ در این عرصه علاوه بر رمانها و نوشته‌های طنز و سایر شکلهای مکتوب هنری به‌عنوان کارآمدترین سلاح، مقالات فراوانی درباره مسائل حاد روز می‌نوشت و چاپ می‌کرد. از هر رسانه گروهی — رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، و مجلات — از هر فرصتی، دیداری، مسافرت رسمی یا غیررسمی، سود می‌جست و صدای هشداردهنده یا اعتراض‌آمیز خود را به گوش آنان که باید برساند می‌رسانید؛ در میتینگها و تظاهرات گروهی نیز شرکت می‌کرد.

در دهه ۱۹۶۰-۱۹۶۹ شاعران و نویسندگانی چون گونتر گراس (Günter Grass: ۱۹۲۷-۲۰۱۵)، مارتین والزر (Martin Walser: ۱۹۲۷- )، و رولف هوخهوت (Rolf Hochhuth: ۱۹۳۱- ) از نسل جدید نیز دوشادوش بل در صحنه‌های ادب و سیاست آلمان ظاهر شدند، ولی بل توانست جایگاه والای خویش را حفظ کند و با آنکه ادبیات جدید آلمان به تأثیر از ادبیات اگزیستانسیالیستی فرانسه قیافه‌ای ناهماهنگ با کوششهای همه‌جانبه در جهت پیشرفت اقتصادی و ساختمان دولت آلمان غربی به خود می‌گرفت، او لحظه‌ای از حرکت باز نایستاد.

در عرصه سیاست، هاینریش بل به دنبال برخی تصمیمات سوسیال‌دموکراتها از ایشان گسست و در ۱۹۶۵ به دموکراتهای مسیحی در جریان معروف به ائتلاف بزرگ (Gross Koalition) پیوست. بل با وجود صراحت بیانی که داشت، در انتقادهایش هیچگاه به تحریف حقایق یا دگرگون جلوه دادن شخصیتها و واقعیتها گرایش پیدا نکرد. وقتی در ژوئیه ۱۹۷۳ به شوروی دعوت شد و به آن کشور رفت، فرصت را غنیمت شمرد و چشم در چشم میزبان دوخت و قویاً از تعقیب و آزار